

تحلیل اطلاعات ریشه‌شناختی وام‌واژه‌های روسی در فرهنگ‌های آذربایجانی - فارسی

فاطمه همتی پویا

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد آموزش زبان روسی، دانشگاه تربیت مدرس،

تهران، ایران

f. hematipooya@gmail.com

واژه‌های کلیدی: تحلیل فرهنگ، وام‌واژه، ریشه‌شناسی، زبان آذربایجانی، زبان فارسی.

یکی از راه‌های گسترش واژه‌های زبان، وارد کردن عناصر واژگانی، از دیگر زبان‌ها یا گویش‌هاست. این کار را وام‌گیری می‌نامند. واژه‌ای که از زبان یا گویشی دیگر به زبان وارد می‌شود، وام‌واژه نامیده می‌شود. اغلب زبان‌های دنیا عناصری را از زبان‌های دیگر وام گرفته‌اند و به همین دلیل، می‌توان واژه‌های هر زبان را به عناصر بومی و غیربومی تقسیم کرد. به کمک ریشه‌شناختی و مطالعه پیشینه زبان، می‌توان واژه‌های بومی را تا قرن‌ها پیش پیگیری و سوابق تغییر و تحول آن‌ها را جست‌وجو و مشخص کرد [شفاق، ۱۳۸۶: ۱۲۷-۱۲۸].

کیپفر معتقد است: «ریشه‌شناسی معمولاً باید بیانگر این مطلب باشد که واژه در چه دوره‌ای نخستین بار، به پیدایی آمد، چه معنایی داشته، چگونه تلفظ می‌شده، در چه زبان‌هایی به چشم خورده و اگر وام‌واژه است، از چه زبانی آمده است. هدف اصلی ریشه‌شناسی این است که مدخل واژگانی را تا دورترین نقطه ممکن در زبان ردیابی کند، بگوید که آن واژه از چه زبانی و از چه صورتی به زبان راه یافته است و نیز منبع آغازین را تا دورترین زمان ممکن بیابد». این تعریف را می‌توان به سه قاعده اصلی زیر - که از نظر کیپفر، سه عامل مهم برای ریشه‌شناسی درست است - تفکیک کرد:

(الف) توضیح مناسبات آوایی واژه و منبع زبانی، با شناخت قوانین آوایی؛

(ب) وجود مناسبات منطقی معنایی؛

(ج) در حوزه وام‌گیری، وجود ارتباطات تاریخی دو فرهنگ در زمان وام‌گیری [به نقل از بختیاری،

۱۳۸۹: ۲۸].

به علت هم‌جواری استان‌های آذربایجان شرقی و غربی با مناطقی که زبان روسی در آن‌ها رواج گسترده دارد، گویش ایرانی زبان آذربایجانی از زبان روسی تأثیراتی پذیرفته که یکی از مهم‌ترین آن‌ها

ورود کلمات روسی به این گویش است. هدف از این تحقیق، بررسی ریشه‌شناختی برخی از وام‌واژه‌های روسی موجود در زبان آذربایجانی و اهمیت استفاده از فرهنگ‌های ریشه‌شناختی است. نگارنده با مطالعه و بررسی فرهنگ‌های دوزبانه آذربایجانی- فارسی موجود و نیز با جست‌وجو در متون تخصصی و ادبی توانسته است بیش از سیصد وام‌واژه دخیل از زبان روسی را در میان آن‌ها بیابد. در جریان این مطالعه، کاستی‌ها و اشکالاتی در اطلاعات ریشه‌شناختی مندرج در برخی از فرهنگ‌ها مشاهده شد که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

در برخی از مدخل‌های فرهنگ‌ها اشاره شده است که کلماتی از زبان روسی وام گرفته شده‌اند، اما طی این تحقیق، پس از کلیه جست‌وجوها و مراجعه به منابع مختلف، هیچ واژه‌ای در زبان روسی یافت نشد که بتوان گفت منشأ و سازنده واژه آذربایجانی بوده است. میان مدخل‌هایی که چنین وضعیتی دارند، می‌توان از واژه‌های «پیلته» (به معنی سه پایه، چراغ خوراک‌پزی)، «یاتاپ» (به معنی تبعید تحت نظر (در روسیه تزاری) یا «پاکت» (به معنی قرارداد، پیمان) نام برد که در فرهنگ آذربایجانی- فارسی به ریشه روسی آن‌ها اشاره شده است، ولی واژه روسی مشابهی یافت نشد که بتوان گفت این واژه‌ها از آن‌ها گرفته شده‌اند. در بین این واژه‌ها کلماتی وجود دارند که خود نویسنده نیز اطلاع درستی از ریشه واژه نداشته و فقط احتمال داده است که واژه دخیل از روسی باشد؛ مانند «ماسکالاما» به معنای «استتار» که در فرهنگ آذربایجانی- فارسی زارع شاهرسی احتمال ریشه روسی آن مطرح شده است. در شمار نسبتاً زیادی از نمونه‌ها، میان فرهنگ‌نویسان درباره ریشه‌شناسی برخی از کلمات اختلاف نظر وجود دارد، به این معنی که برخی از واژه‌ها در برخی از فرهنگ‌های دخیل از روسی معرفی شده‌اند و در برخی دیگر از فرهنگ‌ها ذکر شده است که از زبان‌های دیگر به زبان آذربایجانی ایران وارد شده‌اند. نمونه‌هایی از این اختلاف نظر در جدول زیر به نمایش درآمده است:

واژه روسی	واژه آذربایجانی	معنی	ریشه در فرهنگ زارع شاهرسی	ریشه در فرهنگ بهزادی	ریشه در فرهنگ هادی
Факультет	فاکولته	دانشکده	روسی	فرانسه	-
Лампа	لامپا	لامپ، چراغ نفتی، لامپا	روسی	فرانسه	-
Ваза	وازا- وازدا	گلدان، ظرف	روسی	فرانسه	-
Эра	ائرا، ارا	دوره‌های تاریخی، نقطه عطف تاریخی، دوران زمین‌شناسی	روسی	لاتین	-
галуши	قالوش، قالیش	گالش، پوتین پلاستیکی	فرانسه	روسی	روسی
патрон	پاترون، پاتران	فشنگ	روسی	فرانسه	-

واژه روسی	واژه آذربایجانی	معنی	ریشه در فرهنگ زارع شاهرسی	ریشه در فرهنگ بهزادی	ریشه در فرهنگ هادی
Октябрь	اوکتیابر	اکتبر، ماه دهم میلادی	روسی	لاتین	-
Помидор	بامادور	گوجه‌فرنگی	روسی	ایتالیایی	-
Тариф	تاریف	تعرفه	روسی	فرانسه	-
Фургон	فورقون	فورغون، فورقون	روسی	فرانسه	-
Лиман	لیمان	خلیج کم‌عمق، بندرگاه، بندر	روسی	یونانی	یونانی

در برخی اختلاف‌نظرها، بر اساس شیوه تلفظ واژه_ که از نظر کیپفر یکی از عامل‌های اصلی تعیین ریشه کلمه است- به‌سادگی می‌توان اشتباه را مشخص کرد. به‌عنوان مثال، واژه «ژیمنازیوم» که به معنی «مدرسه شبانه‌روزی» است، در فرهنگ آذربایجانی- فارسی زارع شاهرسی، واژه‌ای روسی معرفی شده است، ولی بنا به تلفظ این واژه (که در روسی به شکل «گیمنازیا» ادا می‌شود) می‌توان رأی داد که این واژه از زبان فرانسوی وارد زبان آذربایجانی ایران شده است. در برخی دیگر از نمونه‌ها نیز به کلماتی برمی‌خوریم که از نحوه تلفظ آن‌ها مشخص است از زبان روسی وارد زبان آذربایجانی شده است، اما در فرهنگ‌ها به اشتباه ریشه‌هایی از زبان‌های دیگر برای آن‌ها ثبت شده است، مانند «واغزال» به معنای «ایستگاه» که دخیل از انگلیسی معرفی شده است، یا «قزت» «قازامات» به معنی «روزنامه، نشریه، یومیه» که مأخوذ از ایتالیایی ذکر شده‌اند یا «بریقادییر» به معنای «فرمانده بریگاد» که ریشه آلمانی برای آن ذکر شده است.

نکته جالب‌توجه دیگری که باید به آن اشاره کرد، این است که گاه در فرهنگ‌های دوزبانه بررسی- شده، هیچ ریشه بیگانه برای برخی از واژه‌ها ذکر نشده، ولی با بررسی‌ها مشخص می‌شود که این واژه‌ها نیز از زبان‌های دیگر و از جمله از روسی، گرفته شده‌اند؛ مثلاً در هیچ فرهنگی ریشه و خود کلمه «ماز» به معنای «روغن» ثبت نشده، اما مشتقات این واژه مانند «مازلاما، مازلاماق، مازلی» به معنای «عمل واکس زدن، واکس زدن به کفش یا چرم، واکس زده شده» ثبت شده است و پیداست که این مشتقات از ریشه «мазь» روسی به همان معنا گرفته شده‌اند.

از مثال‌های ذکر شده این نتیجه به دست می‌آید که در حین کار روی فرهنگ‌های دوزبانه، به‌ویژه درباره فرهنگ‌های گویش‌ها و زبان‌های رایج در یک کشور واحد، نیاز به پژوهش‌های ریشه‌شناختی واژگانی مستقل به‌طور کامل احساس می‌شود تا باعث کاهش اطلاعات نادرست درباره ریشه وام‌واژه‌ها، جلوگیری از سردرگمی کاربر فرهنگ لغت و کمتر شدن اختلاف‌نظرها شود.

References

منابع

۱. هادی، اسماعیل، لغتنامه جامع اتیمولوژیک ترکی فارسی همراه با جدولی از کلمات دخیل ترکی در فارسی و تحلیل ریشه‌شناسانه آنان، تبریز: اختر، ۱۳۹۴.
۲. بهزادی، بهزاد، فرهنگ آذربایجانی-فارسی، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۲.
۳. منصور، فیروز، فرهنگ واژگان آذری، تهران: هزار کرمان، ۱۳۹۳.
۴. زارع شاهمرسی، پرویز، فرهنگ شاهمرسی ترکی-فارسی (حاوی ۴۰۰۰۰ واژه و اصطلاح رایج و متروک زبان آذربایجانی همراه با تلفظ لاتین و معادل فارسی)، تبریز: اختر، ۱۳۸۷.
۵. بختیاری، رحمان، «ریشه‌شناسی جای نام‌های ایران (جعل تاریخ و هویت)»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء، سال سوم، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
۶. شقاقی، ویدا، مبانی صرف، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۶.